

دکتر ترمپر لانگمن، خدا یک جنگجو است، جلسه ۴، مرحله ۳: خدا اسرائیل را از ستمگران نشان نجات می‌دهد؛ مرحله ۴ عیسی جنگ روحانی را تشدید و گسترش می‌دهد؛ مرحله ۵: عیسی دوباره می‌آید تا در نبرد علیه دشمنان انسانی و روحانی پیروز شود

ترمپر لانگمن و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر ترمپر لانگمن در تدریس خود در مورد خدا به عنوان یک جنگجو است. این جلسه ۴، مرحله ۳ است: خدا اسرائیل را از ستمگران نشان نجات می‌دهد؛ مرحله ۴: عیسی جنگ معنوی را تشدید و تشدید می‌کند؛ مرحله ۵: عیسی دوباره می‌آید تا در نبرد علیه دشمنان انسانی و معنوی پیروز شود.

بنابراین، ما به دو مرحله اول نگاه کردیم، آن زمان‌هایی که خدا به عنوان یک جنگجو برای جنگیدن با دشمنان خونی و جسمی اسرائیل می‌آید. این مرحله اول و مرحله دوم است، و از نظر زمانی با مرحله دوم، که خدا با اسرائیل می‌جنگد، همپوشانی دارد.

بنابراین، آنها مراحل متوالی نیستند، بلکه بیشتر با اطاعت یا عدم اطاعت اسرائیل از خدا تعیین می‌شوند. اما همانطور که مرحله دوم را با توصیف داوری خدا علیه اسرائیل که در شکست بابلیان از اورشلیم در تبعید آشکار شد، به پایان رساندیم، مرحله سوم نیز به ترتیب آن است. و وقتی در مورد مرحله سوم صحبت می‌کنم، و به یاد داشته باشید که این فقط راهی برای سازماندهی مطالب از دیدگاه من است، به آن پیامبران در اواخر دوره عهد عتیق، در طول تبعید و دوره پس از تبعید اشاره دارد که درک می‌کنند زیرا خدا به آنها وحی کرده است که نابودی اورشلیم، تبعید پایان داستان نیست، زیرا خدا به آنها رؤیاهایی از بازگشت خود به عنوان جنگجوی الهی برای نجات قومش از ستمگران نشان می‌دهد.

و به یاد داشته باشیم که بابلی‌ها پس از اینکه ایرانیان در سال ۵۳۹ پیش از میلاد، بابلی‌ها را شکست دادند به یهودیانی که می‌خواستند، اجازه دادند به شهر اورشلیم بازگردند، اگرچه از یک نظر، پایان تبعید در سال وجود دارد، از نظر دیگر، داوری همچنان ادامه دارد زیرا ایرانیان اکنون اربابان یهودا هستند. و سپس ۵۳۹ هنگامی که یونانیان، ایرانیان را تحت فرمان اسکندر کبیر شکست دادند، اکنون آنها تحت سلطه ظالمانه یونانیان بودند. پس از مرگ اسکندر و تقسیم امپراتوری وسیع او بین ژنرال‌هایش، بین بطالسه و مصر و سلوکیان در سوریه، کشمکش‌هایی وجود داشت.

و سپس وقتی رومی‌ها در قرن اول قبل از میلاد وارد صحنه شدند، اکنون تحت سلطه ظالمانه اشغالگران رومی بودند. و البته، این ما را به زمان عهد جدید می‌رساند. اما حالا که به پیامبرانی مانند دانیال، زکریا، ملاکی و دیگران برمی‌گردیم، اما من از آن سه نفر به عنوان مثال استفاده می‌کنم، آنها رؤیاهایی را ارائه می‌دهند که خداوند به آنها داده است مبنی بر اینکه او قرار است بازگردد و آنها را از ستمگران نشان نجات دهد.

پس اجازه دهید با دانیال شروع کنم. داستان دانیال در قرن ششم پیش از میلاد روایت می‌شود، و همانطور که می‌دانید، او خیلی زود به عنوان یک تبعیدی به بابل برده می‌شود، حتی قبل از زمانی که نبوکدنصر تصمیم به تخریب معبد و تحمل تبعیدی بزرگتر می‌گیرد. اما دانیال بیشتر عمر طولانی خود را در بابل زندگی می‌کند.

و خدا به او رؤیا می‌دهد. خب، کتاب دانیال کتاب جالبی است زیرا دو بخش اصلی دارد. بخش فصل اول روایت‌های دانیال و سه دوستش است که در دربار بابل یا پارس زندگی می‌کردند.

شش فصل دوم مربوط به رؤیاهای آخرالزمانی، رؤیاهای آینده است. و من قصد دارم روی اولین مورد از این چهار مورد، دانیال ۷، تمرکز کنم که احتمالاً شناخته شده ترین آنهاست، اما به خوبی آنچه را که در اینجا در مورد آن صحبت می‌کنم، نشان می‌دهد. اول از همه، باید بگویم که هر شش داستان و هر چهار رؤیای آخرالزمانی یک پیام اساسی برای مخاطبان خود دارند، و آن این است که، علیرغم آنچه در بیرون به نظر می‌رسد، شر کنترل را در دست دارد.

واقعیت این است که خدا همه چیز را تحت کنترل دارد و پیروزی نهایی از آن اوست. پس با ایمان زندگی کنید، وحشت نکنید و فکر نکنید که شر پیروزی نهایی را دارد. پیامی که می‌تواند امروز برای ما طنین‌انداز شود.

اما بیایید نگاهی بیندازیم که چگونه دانیال ۷ این مضمون را ارائه می‌دهد و چگونه آمدن جنگجو را نیز پیش‌بینی می‌کند. بنابراین، دانیال ۷ را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد، آیات ۱ تا ۱۴ شرح رؤیایی است که دانیال می‌بیند. و سپس دانیال ۷:۱۵ و آیات بعدی تفسیر فرشته‌ای از آن رؤیا است.

بنابراین، من می‌خواهم اولین آیه را بخوانم، حدس می‌زنم ۱۴ آیه باشد، و تفسیر آن را در اینجا می‌خوانم. بنابراین، در سال اول سلطنت بلشصر، پادشاه بابل، دانیال خوابی دید و رؤیاهایی از ذهنش گذشت. همانطور که در رختخواب دراز کشیده بود، مضمون خوابش را نوشت.

بدون اینکه وارد بحث فنی در مورد چگونگی ارتباط بلشصر با شخصی به نام نبوپولاسار، که پدرش بود و در آن زمان با بلشصر نیز پادشاه بود، شوم، فقط به سادگی می‌گویم که ما در اینجا به پایان امپراتوری بابل نزدیک می‌شویم. و او می‌گوید، دانیال در رؤیای شب من می‌گوید، نگاه کردم و چهار باد آسمان دریای بزرگ را به هم زدند، چهار جانور بزرگ، که هر کدام با دیگری متفاوت بودند، از دریا بیرون آمدند. خوب، بسیاری از بخش‌های دانیال ۷ برای بسیاری از ما که در غرب قرن بیست و یکم زندگی می‌کنیم، واقعاً عجیب به نظر می‌رسد.

اما به شما می‌گویم که این موضوع واقعاً با تصاویر باستانی و شناخته شده‌ی خاور نزدیک مرتبط است. و در این مورد، این ایده که دریا نمایانگر هرج و مرج و حتی شر است. و بنابراین، این رؤیا با صحنه‌ای از یک دریای بسیار آشفته با چهار جانور که از آن بیرون می‌آیند، آغاز می‌شود.

و از آنجایی که آنها از دریا بیرون می‌آیند، می‌توانیم آنها را جانوران دریایی بنامیم. و جانوران دریایی نیز معمولاً به عنوان نیروهای ضد خلقت دیده می‌شوند. می‌گوید اولی مانند شیر بود و بال‌های عقاب داشت.

من تماشا کردم تا بال‌هایش کنده شد و از زمین بلند شد و مانند انسان روی دو پا ایستاد. و عقل انسان به او داده شد. و آنجا در مقابل من حیوان دومی بود که شبیه خرس بود.

به یکی از پهلوهایش بلند شد، در دهانش سه دنده بین دندان‌هایش بود، به او گفته شد برخیز و از گوشت سیر شو. پس از آن، نگاهم به جانور دیگری افتاد که شبیه پلنگ بود و بر پشتش چهار بال مانند بال‌های پرندگان داشت.

این وحش چهار سر داشت. به آن اختیار حکومت داده شده بود. خوب، قبل از اینکه به وحش چهارم بپردازم، اجازه دهید چند نکته را اینجا مطرح کنم که مفسر فرشته بعداً به ما خواهد گفت که این جانوران نمایانگر پادشاهی‌های شیطانی بشر هستند.

و بنابراین، بسیاری از مردم وقت خود را صرف تلاش برای شناسایی پادشاهی‌های خاص می‌کنند. یک مکتب فکری، یک مکتب فکری سنتی‌تر می‌گوید که اولین جانوران رومی‌ها هستند. و سپس، سپس در مرحله دوم، مادها-پارسی‌ها، سپس یونانی‌ها و سپس امپراتوری روم هستند.

و یک مکتب فکری دیگر می‌گوید، نه، رومی‌ها، سپس مادها، سپس پارسی‌ها، و سپس یونانی‌ها. و نظر من این است که فکر نمی‌کنم قرار باشد این نوع شناسایی‌های خاص را انجام دهیم. بلکه نکته‌ی مهم این است که ملت‌ها یکی پس از دیگری قیام خواهند کرد و قوم خدا را سرکوب خواهند کرد.

بنابراین، ما قرار نیست درگیر شناسایی قلمرو خاص شویم. بنابراین حتی اگر یکی از این دو درست باشد، و اگر یکی از آنها درست باشد، من به نوعی دیدگاه سنتی‌تر را ترجیح می‌دهم. اما واقعاً آنقدر مهم نیست که بخوام مطرح کنم.

اما چیزی که می‌توانیم ببینیم این است که این تصویرسازی به نوعی در مورد این صحبت می‌کند که این ملت‌ها چقدر برای قوم خدا وحشتناک، بی‌رحم، سنگدل و خطرناک هستند. اول از همه، باید متوجه شوید که می‌دانید، عبرانیان واقعاً از هیبریدها منزجر بودند. اولین جانور، یک هیبرید است که به عنوان شیری با بال‌های عقاب توصیف می‌شود که به انسان تبدیل می‌شود.

دومی دورگه نیست، اما بی‌رحمی‌اش در این دیده می‌شود که از یک طرف بلند شده و سه دنده را می‌خورد. و یا Mischwesen پلنگی که مثل پرندۀ چهار بال دارد، همچنین، آن هم چیزی است که آلمانی‌ها به آن جوهره مختلط می‌گویند. و باز هم، وحشتناک، چندان‌آور.

و این نکته‌ای را در مورد ماهیت این پادشاهی‌هایی که به قوم خدا ظلم می‌کنند، مطرح می‌کند. اما اوج داستان در مورد جانور چهارم است. می‌گوید بعد از آن، در رؤیای شبانگهی ام، نگاه کردم و آنجا جانور چهارمی در مقابلم بود، وحشتناک و هراس‌انگیز و بسیار قدرتمند.

دندان‌های آهنی بزرگی داشت، قربانیانش را خرد می‌کرد و می‌بلعید، و هر چه باقی می‌ماند را زیر پا لگدمال می‌کرد. با تمام جانوران سابق فرق داشت، و ۱۰ شاخ داشت. خوب، چیزی که من اغلب به آن اشاره می‌کنم این است که اغلب به این جانور به عنوان جانور رباتیک اشاره می‌کنم، هرچند که البته در آن زمان مفهومی از ربات وجود نداشت.

اما تنها توصیف فیزیکی که دریافت می‌کنیم دندان‌های آهنی است. و سپس بعداً، مفسر فرشته به میخ‌های آهنی این جانور خاص اشاره خواهد کرد. اما این جانور آنقدر ماورایی است که حتی به یک حیوان ارگانیک و معمولی هم ربطی ندارد.

و وحشتناکه. و، و ده تا شاخ داره. حالا، شاخ‌ها نماد قدرت هستن.

و البته، عدد ۱۰ یک عدد نمادین است، و می‌گوید که این یک جانور بسیار قدرتمند است که در تصویر یک ملت بسیار قدرتمند را نشان می‌دهد. سپس می‌گوید، در حالی که من در مورد شاخ‌ها فکر می‌کردم، یک شاخ کوچک دیگر در مقابل من ظاهر شد که در میان آنها ظاهر شد. و سه شاخ اول در مقابل آن از ریشه کنده شدند.

این شاخ چشمانی مانند چشمان انسان داشت و دهانش با تکبر سخن می‌گفت. بنابراین، تأکید نهایی بر شاخی است که احتمالاً نمایانگر یک شخص سیاسی و قدرتمند است. باز هم، قصد ندارم جزئیات شناسایی آنها شوم.

کتاب حزقیال را بخوانید، خواهید دید که خداوند بارها از حزقیال به عنوان پسر انسان، یک انسان، یاد می‌کند. اما این پسر انسان سوار نیست، بلکه چیزی شبیه به پسر انسان سوار بر ابر است. بنابراین، به یک معنا، ممکن است متوجه منظور من از گفتن اینکه به نظر می‌رسد در اینجا به نوعی به تعریف آنچه ما اشخاص تثلیث می‌نامیم، رسیده‌اید، شده باشید.

و همانطور که بعداً در مورد آن توضیح خواهیم داد، عهد جدید قطعاً این را به عنوان انتظار مسیح به رسمیت می‌شناسد، زیرا دانیال ۷: ۱۳ تا ۱۴، احتمالاً شش بار در انجیل‌ها و کتاب مکاشفه نقل قول یا به آن اشاره شده است. بنابراین، در نهایت، این تصویری که در دانیال فصل ۷ می‌بینیم، چیزی را توصیف می‌کند که من آن را مرحله سوم می‌نامم. این روای خداست که در آینده خواهد آمد و او شما را از ستمگرانان رهایی خواهد بخشید.

کسی مانند پسر انسان، به فرمان قدیم الایام، برای نجات قوم خود به آن پادشاهی‌ها خواهد رفت و با آنها خواهد جنگید. بنابراین، این رؤیا برای این است که به مردمی که تحت ستم زندگی می‌کنند امید بدهد و آنها را تشویق کند که حتی با وجود زندگی در محیطی ظالمانه، به زندگی با ایمان ادامه دهند. حالا، من زیاد وقت نمی‌گذارم، اما فقط می‌خواهم توجه شما را به چند متن دیگر جلب کنم که در آنها پیام مشابهی مانند فصل زکریا، فصل پایانی زکریا، پیامبر پس از تبعید، دریافت می‌کنیم ۱۴.

او می‌گوید روز خداوند فرا می‌رسد. و این عبارت «روز خداوند» به روز آینده‌ی جنگ خداوند یا داوری قریب‌الوقوع او اشاره دارد. روز خداوند فرا می‌رسد، اورشلیم، زمانی که دارایی‌های غارت و در درون دیوارهای تقسیم خواهند شد.

من تمام ملت‌ها را در اورشلیم جمع خواهم کرد تا با آن بجنگند. شهر تصرف خواهد شد، خانه‌ها غارت می‌شوند و زنان مورد تجاوز قرار خواهند گرفت. نیمی از شهر به تبعید خواهند رفت، اما بقیه مردم از شهر بیرون رانده نخواهند شد.

آنگاه خداوند بیرون خواهد رفت و با آن ملت‌ها خواهد جنگید، چنانکه در روز نبرد می‌جنگد. در آن روز، پاهای او بر کوه زیتون در شرق اورشلیم خواهد ایستاد و کوه زیتون از شرق به غرب به دو نیم تقسیم شده دره‌ای بزرگ تشکیل خواهد داد که نیمی از آن به سمت شمال و نیمی به سمت جنوب حرکت می‌کند. شما از دره کوه من فرار خواهید کرد، زیرا تا آویل امتداد خواهد داشت.

شما فرار خواهید کرد، همانطور که در زمان عزیا، پادشاه یهودا، از زلزله فرار کردید. آنگاه خداوند، خدای من، و همه مقدسین با او خواهند آمد. حال، این اشاره به مقدسین، اشاره‌ای به آن لشکر فرشتگان است که قبلاً در مورد آن صحبت کردیم.

در آن روز، نه نور خورشید وجود خواهد داشت و نه تاریکی سرد و یخبندان. آن روز، روزی بی‌نظیر خواهد بود، روزی که فقط خداوند آن را می‌داند و هیچ تمایزی بین روز و شب وجود ندارد. وقتی شب فرا می‌رسد، روشنائی خواهد بود.

در آن روز، آب زنده از اورشلیم جاری خواهد شد، نیمی از آن در تابستان و نیمی دیگر در زمستان به دریای مرده و نیمی دیگر به دریای مدیترانه. و این، همانطور که در ادامه به توصیف نبرد می‌پردازد، به آیه ۱۲ می‌رود. این بلایی است که خداوند بر تمام ملت‌هایی که با اورشلیم جنگیدند، نازل خواهد کرد.

گوشتشان در حالی که هنوز روی پاهایشان ایستاده‌اند، خواهد پوسید. چشمانشان در حلقه خواهد پوسید. زبان‌شان در دهانشان خواهد پوسید.

در آن روز، مردم از شدت وحشت دچار وحشت بزرگی خواهند شد. آنها دست یکدیگر را گرفته و به یکدیگر حمله خواهند کرد. یهودا نیز در اورشلیم خواهد جنگید.

ثروت تمام ملت‌های اطراف جمع‌آوری خواهد شد. مقادیر زیادی طلا و نقره و لباس. بلای مشابهی بر اسب‌ها و قاطر‌ها، شترها و الاغ‌ها و تمام حیوانات آن اردوگاه‌ها نازل خواهد شد.

بنابراین، دوباره می‌گوییم، من کل فصل را نمی‌خوانم، اما ما پیامی مشابه آنچه در دانیال ۷ دیدیم را دریافت می‌کنیم، که در حال حاضر شما در یک وضعیت ظالمانه زندگی می‌کنید، اما در آینده، خدا به عنوان یک جنگجو خواهد آمد و شما را از ظلم نجات خواهد داد.

:مثال آخر از کتاب ملاکی، فصل ۴، یکی دیگر از پیامبران پس از تبعید، فصل کوتاهی خواهد بود که می‌گوید: «مطمئناً آن روز فرا می‌رسد. مانند کوره خواهد سوخت»

خداوند متعال می‌فرماید: «تمام متکبران و هر بدکار، گاه خواهند بود و روزی که می‌آید، آنها را به آتش خواهد کشید». نه ریشه‌ای برایشان باقی خواهد ماند و نه شاخه‌ای، اما برای شما که به نام من احترام می‌گذارید، پسر عدالت با پرتوهای شفاف‌بخش خود ظهور خواهد کرد و شما مانند گوساله‌های سیر، شادی خواهید کرد. سپس شریان را پایمال خواهید کرد.

در روزی که من عمل کنم، آنها زیر کف پاهای شما خاکستر خواهند بود، فرموده‌ی خداوند متعال. شریعت بندهام موسی را به یاد آورید، فرایض و احکامی را که در حوریب برای تمام اسرائیل به او دادم. بدانید که من ایلای نبی را قبل از فرا رسیدن آن روز بزرگ و هولناک خداوند نزد شما خواهم فرستاد.

این [پیام] دل‌های والدین را به سوی فرزندانشان و دل‌های فرزندان را به سوی والدینشان خواهد گرداند و گرنه من خواهم آمد و سرزمین را با ویرانی کامل خواهم کوبید. بنابراین بارها و بارها، در این پیامبران تبعیدی و پس از تبعید، رؤیای یهوه جنگجو را می‌شنویم که برای نجات آنها بازمی‌گردد. و این رؤیا در سراسر دوره به اصطلاح بین عهدین، یا دوره بین عهدین و سایر ادبیات یهودی، طنین‌انداز است.

اکنون به عهد جدید و آنچه که من به عنوان مرحله چهارم توصیف خواهم کرد، می‌پردازیم، یعنی زمانی که عیسی نبرد را تشدید و تشدید می‌کند تا به سمت قدرت‌ها و اقتدار معنوی هدایت شود. اما بیایید با یحیی تعمید دهنده، متی فصل سوم شروع کنیم. همانطور که می‌دانید، یحیی تعمید دهنده به بیابان نزدیک رود اردن می‌رود و منتظر ورود مسیح است.

و او می‌گوید، توبه کنید زیرا پادشاهی آسمان نزدیک شده است. و چیزی که می‌خواهم ببینید این است که او در مورد این آمدن چه می‌گوید، به خصوص به فریسیان و صدوقیان و دیگران که او آنها را به توبه فرا می‌خواند. او در متی فصل سوم، آیه هفتم می‌گوید، من شما را با آب به نشانه توبه تعمید می‌دهم.

اما بعد از من کسی می‌آید که از من تواناتر است و من لایق برداشتن کفش‌هایش نیستم. او شما را با روح القدس و آتش تعمید خواهد داد. او غربال خود را در دست دارد و خرمنگاه خود را پاک خواهد کرد. گندم خود را در انبار ذخیره خواهد کرد و کاه را با آتشی خاموش‌نشده خواهد سوزاند.

حالا، می‌خواهم ببینید کاری که یحیی تعمیددهنده انجام می‌دهد، اقتباس از زبان و انتظارات دانیال، زکریا، ملاکی و دیگران است. کسی که من تعمید می‌دهم، تمام کاه‌ها را جمع می‌کند و می‌سوزاند، و تبری برمی‌دارد و چوب‌های پوسیده را خرد می‌کند. بنابراین، او عیسی را تعمید می‌دهد، یحیی در حالی که عیسی رسالت خود

را آغاز می‌کند، به زندان می‌افتد، و عیسی در رسالت خود، بیماران را شفا می‌دهد، شیاطین را بیرون می‌کند، مژده می‌دهد، و یحیی تعمیددهنده، همانطور که گفتم، در زندان است و گزارش‌هایی در مورد کارهای عیسی دریافت می‌کند، و با خود فکر می‌کند، ممکن است من فرد اشتباهی را تعمید داده باشم.

حالا، چطور این را بگویم؟ خب، در متی ۱۱، او دو شاگرد را نزد عیسی می‌فرستد و آنها از او می‌پرسند، آیا تو همان هستی، یا باید منتظر دیگری باشی؟ و اساساً، پشت این سوال این است که، عیسی، کاه کجا سوزانده می‌شود؟ عیسی، تبر کجا بریده می‌شود؟ خب، عیسی با بردن مت به یک سفر کوچک تبلیغی و انجام کارهای مشابه، شفای بیماران، تمرین دادن شیاطین، موعظه کردن مژده، پاسخ می‌دهد و می‌گوید، برگرد و به یحیی بگو چه دیده‌ای. خب، دوباره، عیسی چه پیامی را می‌خواهد به یحیی بفرستد؟ یحیی، تو فرد درست را غسل تعمید دادی، اما من نبرد را تشدید و تشدید کرده‌ام تا به سمت قدرت‌ها و اقتدار معنوی هدایت شود، و یحیی، او این را بیان نمی‌کند، من این را بر اساس آیات بعدی کتاب مقدس که اکنون نقل خواهم کرد، کنار هم قرار می‌دهم، اما یحیی، تو نمی‌توانی این دشمن را با کشتن شکست دهی، این دشمن با مرگ شکست می‌خورد. حالا، لحظه‌ای دیگر به این سوال برمی‌گردیم، آیا یحیی تعمید دهنده اشتباه می‌کرد؟ جواب نه است، اما به شما می‌گویم که چرا اشتباه نمی‌کرد.

اما می‌دانید، قضیه از این قرار است که وقتی عیسی در باغ جتسیمانی دستگیر می‌شود، پطرس شمشیرش را بیرون می‌کشد و گوش خدمتکار کاهن اعظم را می‌برد، عیسی به او می‌گوید شمشیرت را کنار بگذار. اگر می‌خواستم، می‌توانستم هزاران نفر از لشکر آسمانی پدرم را اینجا داشته باشم، اما راه من به سمت صلیب است، و بنابراین عیسی می‌رود و بر روی صلیب می‌میرد، و البته، برانگیخته می‌شود و به آسمان عروج می‌کند و آیا جالب نیست که پولس گاهی اوقات از زبان نظامی برای توصیف کار عیسی بر روی صلیب، و رستاخیز و عروج استفاده می‌کند؟ بگذارید دو مثال از آنچه در موردش صحبت می‌کنم، برایتان بیاورم، که با کولسیان فصل ۲، ۱۳ تا ۱۵ شروع می‌شود، جایی که پولس می‌گوید، هنگامی که در گناهان خود و در نامختونی جسم خود مرده بودید، خدا شما را با مسیح زنده کرد.

او تمام گناهان ما را بخشید، و با لغو اتهام بدهی قانونی ما که علیه ما بود و ما را محکوم می‌کرد، آن را از ما گرفت و به صلیب می‌خکوب کرد. حال، با دقت به آیه ۱۵ گوش دهید، و پس از خلع سلاح قدرت‌ها و مقامات، او با پیروزی بر آنها توسط صلیب، نمایشی عمومی از آنها ساخت. متکلمان این را الگوی کفار خدا می‌نامند، و الگوهای دیگری نیز وجود دارد، اما در اینجا، کار عیسی بر روی صلیب به عنوان یک پیروزی یک پیروزی نظامی توصیف می‌شود، و این نمایش عمومی اشاره به عملی است که در این دوره زمانی توسط رومیان انجام می‌شد، که پس از پیروزی بزرگ، زندانیان را در نوعی رژه در خیابان‌ها هدایت می‌کردند، و این تصویر در نامه دیگری از پولس، یعنی افسسیان ۴ آیه ۸، استفاده شده است، زمانی که پولس در اشاره به عروج می‌گوید، به همین دلیل است که می‌گوید، هنگامی که او به بالا صعود کرد، اسیران زیادی را گرفت و به قوم خود هدایایی داد.

حال، نکته جالب توجه در مورد افسسیان ۴:۸ این است که پولس به مزمور ۶۸ استناد می‌کند، شاید به یاد داشته باشید که ما در کتاب مزامیر در مورد مزامیر مرتبط با جنگ صحبت کردیم، و مزمور ۶۸ سرودی الهی برای جنگاوری است که اکنون در مورد عیسی به کار می‌رود. بنابراین، عیسی نبرد را تشدید و تشدید می‌کند، و اکنون زمان پرسیدن این سوال است که آیا یحیی تعمید دهنده اشتباه می‌کرد؟ و من قبلاً گفته‌ام نه، اما بگذارید منظورم را توضیح دهم. یحیی تعمید دهنده اشتباه نمی‌کرد، اما مانند بسیاری از پیامبران، او بهتر از آنچه که آگاهانه می‌دانست صحبت می‌کرد.

وقتی او درباره آمدن مسیح صحبت می‌کرد، کاملاً متوجه نبود، یا حتی اصلاً متوجه نبود که آمدن مسیح یک امر دو بخشی است، اینکه عیسی فقط یک بار نمی‌آید، بلکه دوباره در آینده خواهد آمد. و بنابراین، وقتی به سراغ آمدن دوباره عیسی در آینده می‌رویم، اکنون در مرحله پنجم هستیم، اینکه عیسی دوباره می‌آید تا در

نبرد نهایی علیه همه شرارت‌ها، انسانی و معنوی، پیروز شود. بنابراین، من چند متن را می‌خوانم، یکی به طور خلاصه و دیگری به طور مفصل.

عیسی درباره آمدن دوباره‌اش صحبت کرد و آنچه او گفت در متی، منظوم مرقس فصل ۱۳ است، و همچنین در متی و لوقا ثبت شده است، اما من می‌خواستم این را بخوانم زیرا در آیات ۲۶ و ۲۷ می‌گوید، در آن زمان مردم پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم در ابرها می‌آید و او فرشتگان خود را خواهد فرستاد و برگزیدگان خود را از چهار باد از انتهای زمین تا انتهای آسمان‌ها جمع خواهد کرد. می‌توانید پژواک دانیال ۷، ۱۳ و ۱۴ را در آنجا بشنوید، درست است؟ از او به عنوان پسر انسان یاد می‌شود، که اتفاقاً بسیاری از افرادی که پیشینه عهد عتیق را نمی‌دانند، فکر می‌کنند نوعی اشاره به انسانیت مسیح است، جایی که پسر خدا اشاره‌ای به الوهیت اوست، و من می‌دانم که این چیزها مورد بحث هستند، اما برداشت من این است که همه ما پسران خدا هستیم، و بنابراین در واقع، اگر چیزی باشد، احتمالاً بر انسانیت او تأکید دارد در حالی که او پسر انسان است، که به دانیال ۷، ۱۳ و ۱۴ برمی‌گردد، اما واقعاً در کتاب مکاشفه است که تصاویر مختلفی از بازگشت مسیح می‌بینیم، گاهی اوقات سوار بر ابر، اما بازگشتی که در آن او برای پیروزی نهایی می‌آید، و من می‌خواهم توجه شما را به مکاشفه ۱۹، ۱۱ و بعد از آن جلب کنم، که به نوعی بیان اوج بازگشت اوست. در آنجا می‌گوید، من بهشت را دیدم که باز است، و آنجا پیش روی من اسب سفیدی بود که سوارش امین و راستگو نامیده می‌شود.

خب، بدیهی است که این اشاره به عیسی سوار بر اسب است. سپس می‌گوید، او با عدالت داوری می‌کند و جنگ را به راه می‌اندازد. چشمانش مانند آتش شعله‌ور است و بر سرش تاج‌های زیادی است.

او نامی دارد که جز خودش کسی آن را نمی‌داند. او ردایی پوشیده، در خون غوطه‌ور است و نامش کلام خداست. حال، کسانی که چشم بینا دارند می‌توانند بشنوند که انبوهی از نقل قول‌های کوتاه از مزامیر اشعیا و تثنیه و حزقیال و غیره وجود دارد، و در زمینه‌ای که به یهوه، که جنگجوی الهی است، نسبت داده می‌شود، اکنون به عیسی نیز نسبت داده می‌شود.

برای مثال، او با عدالت داوری می‌کند و جنگ‌ها را به راه می‌اندازد، اشاره‌ای به مزمور ۹۸ که قبلاً خواندیم. چشمان او مانند آتش شعله‌ور است، که شما را به یاد رؤیایی که حزقیال دید می‌اندازد. او ردایی پوشیده و در خون فرو رفته است، که شما را به یاد تصویر یهوه در اشعیا ۶۳ می‌اندازد.

سپس در ادامه از لشکریان آسمان که او را دنبال می‌کنند، سخن می‌گوید، سوار بر اسب‌های سفید و ملبس به کتان ظریف، سفید و پاک. از دهانش شمشیری تیز بیرون می‌آید که با آن ملت‌ها را خواهد زد. او با عصای آهنین بر آنها حکومت خواهد کرد، مزمور ۲. او چرخشت شراب خشم و غضب خدای قادر مطلق را می‌آزماید، کنایه‌ای به اشعیا.

بر ردا و ران او این نام نوشته شده است: پادشاه پادشاهان و رب الارباب. و فرشته‌ای را دیدم که در آفتاب ایستاده بود و با صدای بلند به همه پرندگانی که در هوا پرواز می‌کردند، فریاد می‌زد: «برای ضیافت بزرگ خدا، گرد هم آیید تا گوشت پادشاهان، سرداران و اسبان قدرتمند و سوارانشان و گوشت همه مردم، آزاد و برده بزرگ و کوچک، را بخورید.» سپس جانور و پادشاهان زمین و لشکریانشان را دیدم که گرد هم آمده بودند تا با اسب‌سوار و لشکرش بجنگند.

اما آن وحش و به همراهش پیامبر دروغین که از طرف او معجزات انجام داده بود، دستگیر شدند. او با این معجزات، کسانی را که علامت وحش را پذیرفته و مجسمه‌اش را پرستش کرده بودند، فریب داده بود. آن دو زنده به دریاچه آتشین گوگردی افکنده شدند.

بقیه با شمشیری که از دهان سوارکار بیرون می‌آمد کشته شدند و همه پرندگان خود را با گوشتشان سوزاندند. بنابراین، همانطور که می‌گویم، در اینجا توصیفی از انسان‌های شرور وجود دارد، که در اینجا به آیه ۱۸، پادشاهان، ژنرال‌ها و قدرتمندان فکر می‌کنیم، و سپس همچنین به قدرت‌های معنوی با اشاره به وحش و پیامبر دروغین که قبلاً در کتاب مکاشفه توصیف شده‌اند، اشاره دارد. و بنابراین در اینجا توصیفی از پیروزی نهایی عیسی داریم، که توسط تمام تصاویر خدا به عنوان یک جنگجو که قبلاً در کتاب مقدس آمده است، پیش‌بینی شده است.

بنابراین اکنون در جایگاهی هستیم که می‌توانیم کمی در مورد این تصویر از خدا به عنوان یک جنگجو تأمل کنیم، هم از منظر الهیاتی و هم از منظر اخلاقی.

این دکتر ترمپر لانگمن در تدریس خود در مورد خدا به عنوان یک جنگجو است. این جلسه ۴، مرحله ۳ است: خدا اسرائیل را از ستمگران نشان نجات می‌دهد؛ مرحله ۴: عیسی جنگ معنوی را تشدید و تشدید می‌کند؛ مرحله ۵: عیسی دوباره می‌آید تا در نبرد علیه دشمنان انسانی و معنوی پیروز شود.